

## Survey of the Socio-economic Status of Students at Tehran Public Universities

Yazdan. Ebrahimi<sup>1\*</sup>, Zahra. Chavoshi<sup>2</sup>, Ahmad Reza. Roshan<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Economics in Higher Education, Institute for Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran

<sup>2</sup> PhD in Management in Higher Education, Tehran, Iran

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Management in Higher Education, Institute for Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran

\* Corresponding author email address: yebrahimi@irphe.ir

### Article Info

#### Article type:

Original Research

#### How to cite this article:

Ebrahimi, Y., Chavoshi, Z., & Roshan, A. R. (2025). Survey of the Socio-economic Status of Students at Tehran Public Universities. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 31(2), 67-82.



© 2025 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

### ABSTRACT

The purpose of this article is to survey of the socio-economic status of students at Tehran public universities. By use of descriptive approach, purposeful and snowball sampling method was used to select people for research interviews. Interviews reached to saturation by 10 samples. The data collection tool was a researcher-made questionnaire based on the findings of the first section. Students of selected universities are the statistical population in this stage. The sample was Cochran's formula was 635 people. Quantitative data analysis was done using SPSS. The findings showed that access to public universities in Tehran is unequal.

**Keywords:** Socio-economic status, Students, Tehran public universities



## فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی

دوره ۳۱، شماره ۲، صفحه ۸۲-۶۷



شاپای الکترونیکی: ۲۲۰۱-۲۷۱۷

### بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران

یزدان ابراهیمی<sup>۱\*</sup>، زهرا چاووشی<sup>۲</sup>، احمدرضا روشن<sup>۳</sup> [Error! Reference source not found.](#)

۱. استادیار، گروه اقتصاد آموزش عالی و بررسی‌های نیروی انسانی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران

۲. دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه مطالعات مدیریت آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران

\*ایمیل نویسنده مسئول: yebrahimi@irphe.ir

#### اطلاعات مقاله

#### چکیده

#### نوع مقاله

پژوهشی اصیل

#### نحوه استناد به این مقاله:

ابراهیمی، یزدان، چاووشی، زهرا، و روشن، احمد رضا. (۱۴۰۴). بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۳۱(۲)، ۸۲-۶۷.



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

هدف از این پژوهش بررسی خاستگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویانی است که در دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تحصیل می‌کنند. پژوهش حاضر از نظر گردآوری داده‌ها در دسته پژوهش‌های توصیفی (غیرآزمایشی) قرار می‌گیرد؛ برای تحلیل داده‌ها با توجه به هدف پژوهش، از روش تحقیق توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای استفاده شد. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه‌های منتخب وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تهران بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۶۳۵ نفر بود. نمونه‌گیری در دانشگاه‌های منتخب به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری از داخل خوشه‌ها به صورت تصادفی صورت گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که از مصاحبه هدفمند با ۱۰ نفر از افراد متخصص و آگاه به موضوع پژوهش تهیه شد و ضریب پایایی آن به کمک آلفای کرونباخ ۰،۷۰۴ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها و همبستگی بین متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی با سایر متغیرها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که دسترسی افراد متعلق به پایگاه اقتصادی اجتماعی در دانشگاه‌های دولتی تهران نابرابر است و دانشجویان متعلق به پایگاه‌های متوسط و متوسط به بالا بیشتر از تحصیل در دانشگاه‌های دولتی بهره‌مند می‌شوند.

کلیدواژگان: پایگاه اقتصادی - اجتماعی، دانشجویان، دانشگاه‌های دولتی تهران.



## مقدمه

مسئله برابری و عدالت از دیرباز جزو مسائل جامعه بشری بوده است. برابری و عدالت بعنوان ارزشهایی متعالی در جوامع بشری و ادیان الهی مورد تاکید و تایید بوده اند. بنظر می‌رسد از زمانی که انسانها به زندگی اجتماعی روی آوردند موضوع عدالت و برابری وجود داشته است و همواره مورد توجه و بحث و نظر بوده است. مطالعات و تجربیات متعدد نشان داده اند که جوامعی که از نعمت عدالت و برابری بیشتری برخوردارند از کیفیت زندگی بالاتری نیز برخوردارند (Wilkinson et al., 2009).

با ظهور جوامع دانش بنیان، بسیاری از افراد در شغل خود به دانش نظری و تخصصی نیاز دارند و نیروی کار دانش آموخته به منبع اصلی این جوامع تبدیل شده است (Amaral, 2018). این امر کشورها را بر آن داشته است تا آموزش عالی خود را گسترش دهند و سیستمهای تضمین کیفیت را برای تضمین کیفیت آموزشهای ارائه شده اجرا کنند. در عین حال مطالعات نشان داده اند که لایه‌های مهمی از جمعیت به سطوح آموزشی مورد انتظار نرسیده اند و هدف بهبود عدالت اجتماعی از طریق دسترسی همه گروه‌های اجتماعی که تضمین کننده بهبود عملکرد اقتصادی و اجتماعی است محقق نشده است و نگرانی‌هایی را در مورد برابری دسترسی همه گروه‌های اجتماعی به سطوح بالای آموزشی ایجاد کرده است. (Tavares et al., 2022).

امروزه، برابری و دسترسی به آموزش عالی بدلیل آثار مثبت اقتصادی و اجتماعی آن از دغدغه‌های مهم اجتماعی است و بعنوان یک هدف اجتماعی و اقتصادی در برنامه‌های توسعه مورد توجه است. از آنجاییکه، آموزش عالی مزایای بسیاری نظیر کسب درآمد بیشتر، احتمال یافتن شغل بهتر، کاهش احتمال بیکاری، افزایش اوقات فراغت، بهداشت بیشتر، زندگی شادتر و همچنین دستیابی به منزلت اجتماعی بالاتر را به همراه دارد؛ حضور افراد پایین درآمدی می‌تواند در بلندمدت نابرابری در جامعه را کاهش دهد. از اینرو دولت‌ها موظفند فرصت‌های برابری را برای حضور قویتر اقشار پایین اجتماعی در آموزش عالی فراهم کنند و سیاست‌های مناسب و تخصیص منابع کافی را برای ادامه تحصیل آنها را فراهم کنند.

از این رو نحوه سیاستگذاری دولت و تخصیص منابع به آموزش عالی از اهمیت زیادی برخوردار است و باید با دو هدف تحقق کارایی و برابری انجام شود. در واقع سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت و تخصیص منابع باید کارایی، بهره‌وری و کیفیت آموزش عالی را هدف قرار دهد و در عین حال موجب دسترسی بیشتر و بهبود برابری آموزشی در جامعه شود. از این منظر، پرداخت منابع مالی عمومی به دانشگاه‌ها و عملکرد آنها نباید بگونه‌ای باشد که نابرابری را در جامعه بازتولید کند و موجب تشدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی گردد. بلکه، نحوه توزیع آن باید بگونه‌ای باشد که علاوه بر افزایش دسترسی خانواده‌های کم درآمد، موجبات بالندگی بیشتر نظام آموزش عالی را فراهم کرده و کارایی و عدالت را در آموزش عالی و جامعه افزایش دهد.

از این منظر مهم است که بدانیم چه کسانی در آموزش عالی دولتی که معمولاً از کیفیت بالاتری هم برخوردارند تحصیل می‌کنند و فرصت‌های آموزش عالی چگونه در گروه‌های اجتماعی توزیع شده است و میزان حضور گروه‌های اجتماعی در آموزش عالی دولتی و دانشگاه‌های برتر چگونه است؟ با این وصف، این پژوهش بدنبال آن است که به این سوال پاسخ دهد که دانشجویان در حال تحصیل در دانشگاه‌های دولتی تهران بیشتر از چه پایگاه اقتصادی- اجتماعی هستند؟



## مبانی نظری

انسان‌ها یکسان متولد می‌شوند؛ اما، فرصت‌های یکسانی پیشروی آنان برای پیشرفت قرار ندارد. برخی در خانواده‌های برخوردار متولد می‌شوند و برخی نیز برای دسترسی به مایحتاج روزانه با مشکل روبرویند؛ برخی در محیط ناآرام و آشفته بزرگ می‌شوند و برخی دیگر در فضایی امن متولد شده و از شرایط مطلوبی در دوران زندگی‌شان بهره‌مندند. شرایط و محیط اجتماعی که در آن متولد می‌شویم درست مانند فضای قرعه‌کشی است؛ این شرایط در آغاز راه زندگی با تأثیر گذاشتن بر فرصت‌های پیش‌رو و همچنین سرمایه اجتماعی و عاطفی مورد نیاز تعیین‌کننده راه آینده هستند (Oecd, 2018). اگر صفت انسان بودن و یا موجود زنده را برای انسانها در نظر بگیریم؛ درآنصورت، همه یکسان هستند؛ اما، زمانیکه صفت دیگری همانند هوش، جنسیت، رنگ و طبقه اجتماعی به میان می‌آید؛ دیگر برابری معنای خود را دست می‌دهد. اگر انسان‌ها از نظر دسترسی به امکانات و مزایای اقتصادی-اجتماعی متفاوت نیز باشند، میزان نابرابری افزایش می‌یابد (Kazemipour, 1999).

### پایگاه اقتصادی - اجتماعی

تعریف و سنجش پایگاه اقتصادی-اجتماعی به لحاظ مفهومی و روش‌شناختی بسیار پیچیده است. در اصل، پایگاه اقتصادی-اجتماعی یک مفهوم انتزاعی بوده و سنجش آن بغرنج و اغلب بحث برانگیز است. در این زمینه تعاریف متفاوتی ارائه شده است. طبقه اجتماعی به بخشی از اعضای جامعه گفته می‌شود که از نظر ارزش‌ها، فعالیت‌های اجتماعی، میزان ثروت و آداب معاشرت، از بخش‌های دیگر متمایز باشند (Koen, 1991). به اعتقاد وبر، طبقه اجتماعی یعنی تعدادی از افراد که دارای فرصت‌های زندگی مشابه هستند؛ مانند امکانات اختصاصی که شخص از لحاظ برخورداری از ثروت، از وضعیت بیرونی زندگی و از تجربه شغلی‌اش دارد (Naderi, 2016). طبقه، گروهی از افراد را شامل می‌شود که دارای موقعیت طبقاتی یکسان هستند (Ansari & Sanatkah, 2018). در تحلیل و تعیین پایگاه اقتصادی-اجتماعی تقریباً توافق جمعی کمی جهت سنجش پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد و یا خانواده وجود ندارد. اما مقیاس‌های مشترکی برای طبقه‌بندی پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان ارائه شده که شامل شغل والدین، درآمد خانواده، میزان تحصیلات والدین است (James, 2002). بررسی‌ها نشان داده‌اند که پایگاه اقتصادی-اجتماعی تأثیر عمیقی بر مشارکت در آموزش، یادگیری و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آموزش دارد. کودکان برخوردار از والدین تحصیل‌کرده بیشتر از کلاس‌های آموزشی برخوردار هستند؛ به همین دلیل، سهم ورود این افراد به آموزش عالی بیشتر است و به دنبال آن سهم ورود کودکان متعلق به خانواده‌های طبقه اقتصادی-اجتماعی پایین همچنان ناچیز است. این نابرابری ادامه می‌یابد و در بازار کار نیز منعکس می‌شود؛ بطوریکه، کسانی که دارای مدرک متوسطه هستند ۶۵٪ کمتر از هم‌تایان دارای تحصیلات آموزش عالی به شغل و درآمد مناسب دست می‌یابند (Oecd, 2018).

پیشینه خانوادگی یکی از عوامل مهم نابرابری است. موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده حتی بیش از نیازها و شخصیت‌های متفاوت افراد بر اهداف آن‌ها در بازار کار، مشارکت مدنی و کسب رفاه تأثیرگذار است. اگرچه، تعداد والدینی که کودکان خود را در مدارس غیرانتفاعی ثبت نام می‌کنند، محدود هستند؛ اما، همین تعداد محدود، مزایای بسیاری را برای فرزندان خود فراهم می‌کنند. در آمریکا، حدود ۱۰ درصد از دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه در مدارس غیرانتفاعی و خصوصی حضور دارند؛ درحالی‌که، در سالهای اخیر، نزدیک به ۳۰ درصد از دانشجویان دانشگاه‌های برگزیده آمریکا را شامل می‌شوند (Shields et al., 2017).



## برابری فرصت

اصل برابری فرصت به معنای حاکمیت مقررات واحد، تدوین قوانین ضد تبعیض و در واقع اعطای نقطه شروع برابر در زندگی به همه افراد (آغاز از خط مساوی) است تا موفقیت در زندگی از بخت، اقبال، تصادف‌های میمون و برخوردهای دودمانی نباشد؛ بلکه از استعدادها و سختکوشی سرچشمه بگیرد (Fazaeli et al., 2015). به عبارت دیگر، برابری فرصت بدان معناست که دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی تحت شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها امکان‌پذیر باشد؛ هر فرد باید در شرایط مساوی قادر باشد، جهت دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی به رقابت بپردازد و توانایی و استعدادهای بالقوه خود را به سرانجام برساند و هیچ‌گونه احساس تبعیض و ظلمی نکند (Khan Afzali, 2004). لازم است در فعالیت‌های آموزشی، فاصله پیشرفت میان غنی و فقیر با استعداد مشابه کم‌رنگ شود؛ افرادی که به لحاظ مالی ضعیف هستند باید نسبت به هم‌تایان ثروتمند و دارای استعداد مشابه به یک اندازه پیشرفت کنند. اصل رالز، حذف اثر پیشینه اجتماعی و طبقه اقتصادی بر پیشرفت آموزشی است. بنابراین، برابری منصفانه فرصت تفسیر مناسبی را از برابری فرصت آموزشی ارائه می‌دهد (Shields et al., 2017).

لذا، آموزش بعنوان یک حق، برای بالا بردن شانس زندگی برابر و افزایش کیفیت آن ضروری است. آموزش توانایی تصمیم‌گیری افراد را بهبود می‌بخشد و آن‌ها را به تصمیم‌گیری بهتر در محیط‌های انتخابی مختلف هدایت می‌کند. تأثیرات آموزش بر تصمیم‌گیری می‌تواند مکانیزم بالقوه‌ای باشد که زمینه‌سازی بازده مالی و غیرمالی را فراهم می‌کند (Pashaei et al., 2023). امروزه، آموزش یکی از شاخص‌های پیشرفت اقتصادی-اجتماعی محسوب می‌شود. فرصت‌های آموزشی، از جمله فرصت‌هایی هستند که هدف آن دسترسی افراد به دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های خاص است و ممکن است گاهی جنبه ذاتی و در برخی موارد دیگر، اثر ابزاری بر رفاه فرد (به‌طور مثال، موفقیت در بازار کار) داشته باشد. (Shields et al., 2017). فرصت برابر می‌تواند زمینه بازی را هموار سازد. دراصل، هر فرد در جامعه باید امکان رسیدن به اهداف خود را داشته باشد. مطالعات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد، نابرابری فرصت‌ها منجر به از دست دادن سرمایه انسانی می‌شود و این سرمایه با ارزش‌ترین منبع برای توسعه هر کشور محسوب می‌شود (Natkhov & Kozina, 2012).

به همین دلیل، کشورهای در حال توسعه در پی ایجاد فرصت‌های برابر جهت دسترسی همگان به نظام آموزشی با کیفیت هستند. زیرا، یکی از مؤثرترین راه‌های کاهش نابرابری اجتماعی، برقراری فرصت‌های یکسان برای دسترسی آحاد جامعه به آموزش است (Ghasemi A et al., 2013). بسیاری معتقدند نابرابری شرایط خارج از کنترل فرد بر نابرابری پیامدها تأثیرگذار است. به لحاظ اخلاقی، افراد باید بتوانند با تلاش و پشتکار استعدادهای خود را شکوفا کرد از آن استفاده کنند و شرایط خارج از کنترل آنها، نباید مانع پیشرفت آن‌ها شود. شانس، نباید نقش مهمی را در زندگی افراد ایفا کند. بلکه، اتفاق نظر در میان فلاسفه و اقتصاددانان وجود دارد که نابرابری ناشی از تلاش فرد توجیه‌پذیر است؛ اما، نابرابری ناشی از شرایط توجیه‌پذیر نیست (Roemer, 1998; van de Gaer, 1993). برخی از این نابرابری‌ها مانند فرصت اشتغال، نابرابری جنسیتی و نژادی، نابرابری در ثروت، از طریق سیاست‌های اجتماعی قابل اصلاح و بهبود هستند.

لذا امروزه، یکی از اهداف اصلی دولت‌ها، فراهم کردن برابری فرصت‌های اقتصادی-اجتماعی در جامعه است. دولت‌ها در اکثر کشورها تلاش می‌کنند فرصت‌های آموزشی برابری را ایجاد کنند. در کشورهای توسعه‌یافته طبق قوانین، کودکان باید برای چند سال معین آموزش ببینند. این بدان معناست که برخلاف دیگر اقدامات سیاسی، آموزش به‌طور معمول تحت کنترل مؤسسات دولتی است و این توانایی را دارند که به کل کودکان جامعه در هر نژاد، طبقه، مذهب و جنسی آموزش ارائه دهند. با توجه به مزایای بی‌شمار آموزش، بدون شک آموزش یکی از مهمترین مکانیزم‌های دولت برای تأثیرگذاری بر زندگی شهروندان به شمار می‌آید. به همین دلیل، آموزش مهمترین عملکرد دولت باید محسوب شود. برای دولت این امکان وجود دارد که بدون دخالت در زندگی خانوادگی، امکانات بیشتر و بهتری را برای افراد در دسترسی برابر به آموزش عالی فراهم کنند.



## پیشینه تحقیق

پاشایی و همکاران (Pashaei et al., 2023) در پژوهشی با عنوان واکاوی تأثیر آموزش اقتصاد بر سواد مالی و تصمیم‌گیری دانشجویان با نقش تعدیلگری وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده به این نتیجه دست یافت که آموزش اقتصاد بر سواد مالی و تصمیم‌گیری دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد و آموزش اقتصاد از طریق سواد مالی بر ترجیحات ریسک، ترجیحات اجتماعی و باورهای احتمالی دانشجویان تأثیر معناداری داشته و نقش تعدیلگری وضعیت اقتصادی-اجتماعی در رابطه با آموزش اقتصاد و سواد مالی مورد تأیید قرار گرفت.

ابونوری و محمدی (Abonory & Mohamadi, 2017) در پژوهش دیگری با عنوان "بررسی اثر سیاست‌های اقتصادی بر نابرابری فرصت‌های آموزشی در ایران" به بررسی برآورد اثر متغیرهای سیاستی بر دسترسی به موقع به آموزش و برابری فرصت‌های آموزشی به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پرداخت. در این پژوهش، اثر دو سناریوی کاهش نرخ فقر و شدت فقر بر احتمال دسترسی به آموزش و توزیع منصفانه فرصت‌ها ارزیابی شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که سکونت در منطقه شهری، میزان تحصیلات سرپرست خانوار، میزان درآمد خانوار و مالکیت مسکن با احتمال حضور به موقع فرزند در پایه متناسب رابطه مستقیم و افزایش شمار افراد زیر ۱۵ سال در خانواده با احتمال حضور به موقع در پایه متناسب رابطه معکوس دارند. حضور افراد در استان مشخص می‌تواند در پیش‌بینی احتمال حضور به موقع وی در پایه متناسب مؤثر باشد؛ اما، جنسیت یا نسبت فرد با سرپرست خانوار اثری معنادار بر احتمال حضور به موقع وی در پایه متناسب ندارند. مقایسه احتمال دسترسی و شاخص فرصت انسانی پیش و پس از انجام سناریوهای سیاستی دلالت بر آن دارد که کاهش نرخ فقر و کاهش شدت فقر در استان‌های کشور، احتمال دسترسی به موقع به تحصیل و توزیع فرصت‌های آموزشی را بهبود می‌بخشد.

جمالی (Jamali, 2012) در مقاله‌ای با عنوان روند تأثیر موقعیت اقتصادی و اجتماعی بر عملکرد تحصیلی داوطلبان آزمون سراسری طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ به تحلیل موقعیت اقتصادی، اجتماعی و نقش متغیرهای مختلف تشکیل دهنده این موقعیت‌ها در طی زمان بر عملکرد تحصیلی داوطلبان ورود به آموزش عالی پرداخت. او در این پژوهش به دنبال این بود تا مشخص کند، این موقعیت‌ها در دستیابی به نمرات بالا چه تأثیراتی دارند و در طی زمان، نقش این متغیرها ثابت مانده یا تغییر کرده است. نتایج تحقیق نشان داد که هر یک از متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اقتصادی، اجتماعی با میزان تأثیر متفاوت در افزایش نمره کل داوطلبان مؤثر هستند و تفاوت معناداری بین عملکرد تحصیلی زنان و مردان به نفع زنان مشاهده شده است و با افزایش سال، این تفاوت در گروه علوم انسانی بیشتر شده است. همچنین، افزایش سطح تحصیلات پدران، سطح تحصیلات مادران و شغل پدران در هر سطح معناداری بر افزایش عملکرد تحصیلی در تمامی سال‌های تحقیق مؤثر بوده است؛ اگرچه، با افزایش سال از میزان اثر آن‌ها کاسته شده است. همچنین، در تمامی سال‌های تحقیق افزایش سطح تحصیلات مادران در مقایسه با افزایش سطح تحصیلات پدران در افزایش عملکرد تحصیلی اثر بیشتری داشته است.

روشن (Roshan, 2003) در پژوهشی با عنوان "تعیین پایگاه اقتصادی-اجتماعی (SES) دانشجویان" با رویکرد وبری شش متغیر را در ساخت پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان در نظر گرفت: درآمد پدر و مادر، شغل پدر و مادر و تحصیلات پدر و مادر که در نهایت با توجه به رتبه‌ای که هر دانشجو به دست آورده آن‌ها را در یکی از چهار سطح: بالا، متوسط رو به بالا، متوسط رو به پایین و پایین قرار داد. نتایج این تحقیق نشان داد که در نمونه مورد بررسی ۴/۷ درصد از دانشجویان دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا، ۲۰/۲ درصد از دانشجویان دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط رو به بالا، ۲۷/۵ درصد از دانشجویان دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط رو به پایین و ۴۷/۵ درصد از دانشجویان دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین هستند و بدین ترتیب فرضیه این تحقیق که عبارت بود از «افراد متعلق به پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتر به طور نسبی؛ بیشتر به دانشگاه‌های دولتی راه می‌یابند» رد شد.



پالمیسانو و همکاران (Palmisano et al., 2022) در پژوهشی با عنوان "نابرابری فرصت در آموزش عالی: تجربیات اروپا"<sup>۱</sup> به بررسی نابرابری فرصت در آموزش عالی در ۳۱ کشور اروپایی پرداختند. نتایج تحقیق بخش مهمی از ناهماهنگی را در کشورهای اروپای شمالی که سطوح پایینی از نابرابری فرصت‌ها را نشان می‌دهند و کشورهای مدیترانه و اروپای شرقی که با بخش قابل توجهی از نابرابری‌های آموزشی ناعادلانه مشخص می‌شوند، نشان داد. تحصیلات و شغل والدین از مرتبط‌ترین موارد در اکثریت کشورهای مورد بررسی بودند. همچنین به تحلیل رابطه میان برخی ویژگی‌ها خاص کشورها و نابرابری فرصت در آموزش عالی پرداختند. تحلیل‌ها یک ارتباط منفی میان ارزیابی نابرابری فرصت در آموزش عالی و تولید ناخالص داخلی سرانه را نشان داد و احتمالاً برابری فرصت‌های آموزش عالی و رشد اقتصادی مکمل هم هستند.

کوسونن و همکارانش (Kosunen et al., 2021) در پژوهشی با عنوان "آموزش خصوصی و تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی در دسترسی به آموزش عالی"<sup>۲</sup> به بررسی تأثیر آموزش خصوصی در قالب دوره‌های آمادگی جهت ورود به دانشگاه‌های دولتی در فنلاند پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ارتباط قوی میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان و میزان مشارکت در این دوره‌ها وجود دارد. دانش‌آموزان با پیشینه پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتر نسبت به هم‌تایان خود با پیشینه پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر کمک مالی بیشتری جهت شرکت در این کلاس‌ها از والدین خود دریافت می‌کنند.

ریندرز و همکاران (Reinders et al., 2021) در پژوهشی با عنوان "نابرابری‌ها در آموزش عالی کشورهای با درآمد کم و متوسط: مرور ادبیات"<sup>۳</sup>؛ به بررسی مرور ادبیات در آموزش عالی کشورهای با درآمد پایین و متوسط با استفاده از چارچوب تحقیقاتی الهام گرفته از عدالت اجتماعی و رویکردهای ظرفیت می‌پردازد. همچنین، حوزه‌های منابع مالی، اجتماعی-فرهنگی، منابع انسانی و سیاسی که افراد از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند و نحوه ارتباط آن‌ها با دسترسی، مشارکت و پیامدها در آموزش عالی را در نظر گرفته‌اند در انتها نتایج پژوهش حاکی از آن بود که چشم‌انداز مالی به تنهایی برای درک و مقابله با نابرابری‌ها کافی نیست، زیرا این نابرابری‌ها نیز توسط عوامل انسانی و سایر عوامل غیرمالی شکل می‌گیرند. (۲) ساختارهای اجتماعی-فرهنگی در توضیح نتایج نابرابر نقش اساسی دارند. و (۳) نابرابری‌هایی که در طول زندگی فرد ایجاد می‌شود، باید در طول تحصیلات عالی و همچنین قبل و بعد از آن در نظر گرفته شود. دامنه نابرابری‌ها گسترده است، و ادبیات چند ایدهٔ مختصر برای رفع مسائل کوتاه مدت، مانند آموزش پاره وقت و آنلاین ارائه می‌کند.

بلاندن و مک‌میلان (Blanden & Macmillan, 2016) در پژوهشی با عنوان "نابرابری آموزشی، گسترش آموزشی و پویایی بین‌نسلی"<sup>۴</sup> جهت پیش‌بینی روندهای پویایی بین‌نسلی در انگلستان به جمع‌آوری داده‌هایی برای نابرابری آموزشی نسبت به پیشینهٔ خانوادگی با کوهرتی از ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۰ به طیفی از پیامدهای آموزشی پرداختند. شواهد بیانگر آن است که با افزایش سطح کلی پیشرفت‌های آموزشی، نابرابری آموزشی در میان کوهرت اخیر کاهش یافته است. با اینحال، نابرابری با پیشینهٔ خانوادگی در سطوح پیشرفت‌های آموزشی حاکی از آن است که کاهش نابرابری و گسترش برابری فرصت در سراسر توزیع آموزشی، کار دشواری است.

آندرس و جرم (Anders & Jerrim, 2014) در پژوهشی با عنوان "برآورد تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی در پیشرفت‌های تحصیلی و پیامدهای بازار کار: مقایسه بین کشوری"<sup>۵</sup> به برآورد میان پیشینهٔ خانوادگی و پیشرفت‌های تحصیلی در ۴ کشور انگلیسی زبان ثروتمند (استرالیا، کانادا، انگلیس و آمریکا) پرداختند. آن‌ها پی بردند که کمترین نابرابری اقتصادی-اجتماعی در کشور کانادا و بیشترین نابرابری اقتصادی-اجتماعی در کشور آمریکا است. بنابراین، آن‌ها با استناد به برخی از مطالعات به این نتیجه رسیدند که شواهد کمی وجود دارد مبنی

<sup>1</sup> Inequality of Opportunity in Tertiary Education: Evidence from Europe

<sup>2</sup> Private Supplementary Tutoring and Socio-economic Differences in Access to Higher Education

<sup>3</sup> Inequalities in higher education in low- and middle-income countries: A scoping review of the literature

<sup>4</sup> Educational inequality, educational expansion and intergenerational mobility

<sup>5</sup> The socio-economic gradient in educational attainment and labour market outcomes: a crossnational comparison



براینکه آمریکا سرزمین فرصت‌ها است. در عوض، پیشینه خانوادگی در آمریکا در مقایسه با کشورهای مذکور بیش از فرصت‌های دیگر در زندگی فرد مؤثر است.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ گردآوری داده‌ها در دسته پژوهش‌های توصیفی (غیر آزمایشی) قرار می‌گیرد؛ و از نظر تحلیل داده‌ها با توجه به هدف پژوهش شناخت وضعیت اقتصادی - اجتماعی دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، از روش پژوهش توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای استفاده شده است. در این مطالعه ابتدا مصاحبه‌ای به صورت نیمه ساختارمند و هدفمند با ۱۰ نفر از افراد متخصص که آگاهی و دانش کافی نسبت به موضوع پژوهش داشتند از جمله رؤسا، مدیران و اساتید دانشگاهی انجام شد و بر یافته‌های آن پرسشنامه‌ای محقق ساخته تهیه شد.

پرسشنامه بعنوان ابزار گردآوری داده‌ها، مشتمل بر سه بخش بود که دو بخش ابتدایی شامل ۳۹ سؤال بسته پاسخ و بخش سوم شامل ۳ سؤال باز پاسخ است. مهم‌ترین متغیر این تحقیق، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانوادگی دانشجویان است که از ترکیب شش متغیر درآمد پدر و مادر، شغل پدر و مادر و تحصیلات پدر و مادر دانشجویان به دست آمده است.

به منظور بررسی روایی پرسشنامه نخستین از روش روایی محتوا یا صوری استفاده شد. برای این منظور پرسشنامه به افراد خبره ارسال شد و نظرات آنان دریافت و در اصلاح پرسشنامه بکار گرفته شد. همچنین برای پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. بدین منظور پرسشنامه نخستین برای انجام پیش‌آزمون به ۱۰۰ دانشجوی ارسال گشت و جمع‌آوری و مبنای بررسی پایایی قرار گرفت. با استفاده از نرم‌افزار SPSS آلفای کرونباخ بدست آمده از پرسشنامه برابر ۰/۷۰۴ بود. و در نهایت برای تحلیل یافته‌ها جهت برآورد درصد، فراوانی، جداول و آمار استنباطی از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

جامعه آماری شامل دانشجویان ورودی سال ۹۸-۱۳۹۷ در ۵ گروه تحصیلی (علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی و هنر) از دانشگاه‌های منتخب وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (شامل دانشگاه‌های: تهران، شهید بهشتی، علم و صنعت، امیر کبیر، شریف) بود که مورد پیمایش قرار گرفتند. از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای برای نمونه‌گیری استفاده شد، به این ترتیب که افراد جامعه با توجه به سلسله مراتب از واحدهای بزرگتر (دانشگاه و دانشکده) به واحدهای کوچکتر (گروه‌های تحصیلی و گرایش‌های تحصیلی) انتخاب شدند. در نهایت از بین خوشه‌ها به صورت تصادفی حدود ۶۳۵ نفر نمونه انتخاب شد. البته با توجه به بحران‌های دوران کرونا در دریافت پاسخنامه با محدودیت‌هایی مواجه بودیم که سعی شد پرسشنامه برای دانشجویان بیشتری ارسال گردد تا از این طریق در تعداد دریافت پاسخنامه با مشکل مواجه نشویم.

## یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، مطابق با اهداف ارایه شده، ابتدا میزان و یا مقدار هر متغیر بر اساس داده‌ها و امتیازات حاصل از پرسش‌نامه مشخص شد. سپس توصیف اطلاعات حاصل شده در قالب **جدول ۱** از نظر ویژگی‌های جمعیت شناختی و به صورت توصیفی ویژگی‌های دانشگاهی ارائه شده است. در بخش دوم با استفاده از آمار استنباطی، ارتباط پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان بر حضور آنان در دانشگاه‌های دولتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.



## جدول ۱

یافته‌های توصیفی (ویژگی‌های جمعیت شناختی)

متغیر	گزینه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
پاسخگویان	زن	۲۷۰	۵۷,۵
	مرد	۳۶۰	۴۲,۵
	کل	۶۳۵	۱۰۰
سن	۱۶-۱۹	۵۵۱	۸۶,۸
	۲۰-۲۲	۶۱	۹,۶
	بالای ۲۳	۲۲	۳,۵
تعداد اعضای خانواده	۱-۳ نفر	۱۲۴	۱۹,۵
	۴-۷ نفر	۵۰۳	۷۹,۲
	بالای ۷ نفر	۸	۱,۳
وضعیت تأهل	مجرد	۶۱۲	۹۶,۴
	متأهل	۲۳	۳,۶
اشتغال	شاغل	۱۵۹	۲۵
	بدون شغل	۴۷۶	۷۵
گروه‌های تحصیلی	مهندسی	۳۵۹	۵۶,۵
	علوم انسانی	۱۷۷	۲۷,۹
	علوم پایه	۷۵	۱۱,۸
	کشاورزی	۹	۱,۴
	هنر	۱۲	۱,۹
دانشگاه محل تحصیل	دانشگاه تهران	۲۲۲	۳۵
	دانشگاه شهید بهشتی	۶۸	۱۰,۷
	دانشگاه شریف	۱۹۱	۳۰,۱
	دانشگاه امیرکبیر	۵۳	۸,۳
	دانشگاه علم و صنعت	۱۰۱	۱۵,۹

یافته تحقیق حاکی از آن است که وضعیت علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی خود در دانشگاه نشان می‌دهد ۲,۷ درصد از دانشجویان میزان علاقه خود به رشته تحصیلی‌شان را خیلی کم، حدود ۶,۱ درصد کم، ۲۷,۹ درصد متوسط، ۳۶,۴ درصد زیاد، ۲۶,۹ درصد خیلی زیاد بیان کردند.

## جدول ۲

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان علاقه‌شان به رشته تحصیلی

میزان علاقه	فراوانی	درصد
خیلی کم	۱۷	۲,۷
کم	۳۹	۶,۱
متوسط	۱۷۷	۲۷,۹
زیاد	۲۳۱	۳۶,۴
خیلی زیاد	۱۷۱	۲۶,۹





میزان علاقه به انتخاب مجدد رشته تحصیلی نشان داد که حدود ۱۶,۱ درصد خیلی کم، ۱۰,۷ درصد کم، ۱۸ درصد متوسط، ۲۶,۱ درصد زیاد، ۲۹,۱ درصد خیلی زیاد به انتخاب مجدد رشته تحصیلی ابراز علاقه کردند. در واقع به طور متوسط حدود ۶۳,۳ درصد از دانشجویان به رشته تحصیلی خود علاقه‌مند هستند.

### جدول ۳

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان علاقه‌شان به رشته تحصیلی

میزان علاقه به انتخاب مجدد	فراوانی	درصد
خیلی کم	۱۰۲	۱۶,۱
کم	۶۸	۱۰,۷
متوسط	۱۱۴	۱۸
زیاد	۱۶۶	۲۶,۱
خیلی زیاد	۱۸۵	۲۹,۱

یافته‌های تحقیق نشان داد که پاسخ دهندگان برحسب ادامه تحصیل در رشته کنونی حدود ۳۰,۶ درصد تا سطح کارشناسی، ۳۷,۲ درصد تا سطح کارشناسی ارشد، ۲۰,۱ درصد تا سطح دکترا را انتخاب کردند. در این میان، حدود ۵۷,۳ درصد نسبت به شرایط فعلی خود در رشته کنونی ادامه تحصیل می‌دهند.

### جدول ۴

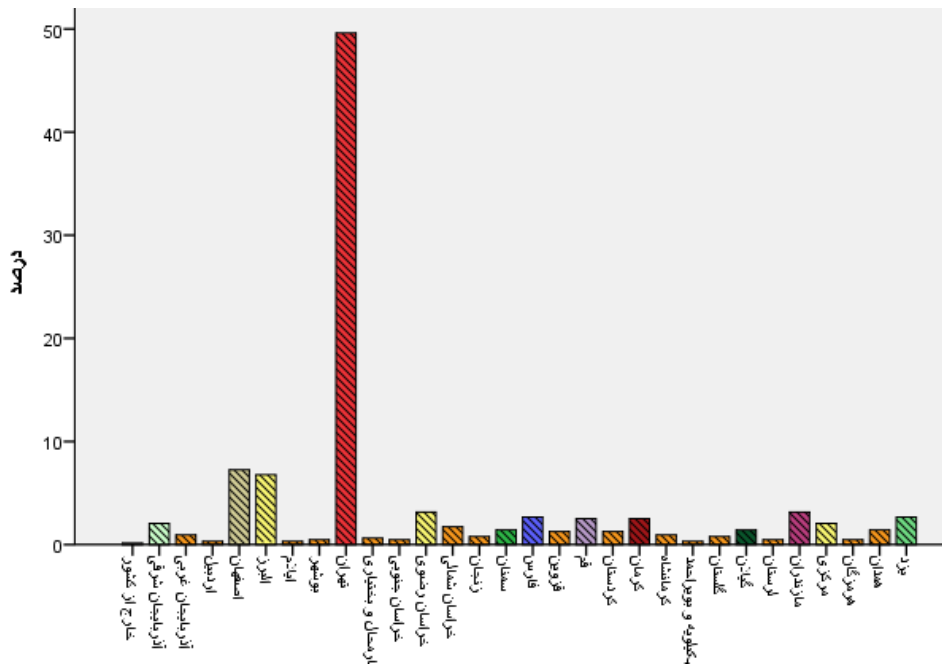
توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان علاقه به ادامه تحصیل در رشته کنونی

میزان علاقه به ادامه تحصیل در رشته کنونی	فراوانی	درصد
کارشناسی	۱۹۴	۳۰,۶
کارشناسی ارشد	۲۳۷	۳۷,۳
دکترا	۲۰۴	۳۲,۱
کل	۶۳۵	۱۰۰

همچنین داده‌ها نشان داده است که در زمان دبیرستان ۴۹,۶ درصد در استان تهران، ۷,۲ درصد در استان اصفهان، ۶,۸ درصد در استان البرز تحصیل کرده‌اند. کمترین میزان مشارکت کننده از استان‌های اردبیل، بوشهر، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان، هرمزگان است و از استان‌های خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان پاسخ دهنده‌ای نیست.

شکل ۱

توزیع دانشجویان بر اساس استان محل تحصیل دبیرستان



در مورد بهره‌مندی از امکانات در دوره دبیرستان به منظور حضور در آزمون کنکور سراسری، یافته‌های تحقیق نشان داد که ۱۶,۸ درصد دانشجویان در مدرسه دولتی، ۲۲,۲ درصد در مدرسه نمونه دولتی، ۲۲,۹ درصد در مدرسه تیزهوشان، ۱۶,۹ درصد در غیرانتفاعی تحصیل کرده و همچنین، ۱۵,۲ درصد آنان در کلاس‌های کنکور شرکت کرده و ۴,۱ درصد دارای معلم خصوصی بوده‌اند.

جدول ۵

توزیع فراوانی پاسخگویان نوع مدرسه محل تحصیل

فراوانی	درصد	نوع مدرسه
۱۳۹	۱۶,۸	مدرسه دولتی
۱۸۴	۲۲,۲	مدرسه نمونه دولتی
۱۸۹	۲۲,۹	مدرسه تیزهوشان
۱۴۰	۱۶,۹	مدرسه غیر انتفاعی
۱۲۶	۱۵,۲	کلاس‌های کنکور
۳۴	۴,۱	معلم خصوصی
۱۳	۱,۶	هیچکدام

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پرداخت شهریه نشان داد که از میان ۶۳۵ نفر دانشجوی مشارکت‌کننده، بیش از ۹۵,۳ درصد از تحصیل رایگان بهره‌مند هستند و تنها نزدیک به ۴,۷ درصد از آنان برای تحصیل خود در دانشگاه شهریه پرداخت می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت سهم عمده‌ای از جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش دانشجویانی هستند که با تأمین هزینه شهریه تحصیل روبرو نیستند.

## جدول ۶

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پرداخت شهریه

پرداخت شهریه	فراوانی	درصد
بله	۳۰	۴,۷
خیر	۶۰,۵	۹۵,۳
کل	۶۳,۵	۱۰۰

پاسخگویان عوامل موفقیت خود را حدود ۹,۲ درصد کلاس‌های کنکور، ۹ درصد مدارس غیرانتفاعی، ۲۹,۴ درصد کتاب‌های آموزشی، ۲,۱ درصد معلم خصوصی و ۵۰,۴ درصد تلاش‌های شخصی را از عوامل مؤثر در موفقیت خود در کنکور اعلام کردند.

## جدول ۷

توزیع فراوانی عوامل موفقیت در کنکور

فراوانی	درصد	
۹۹	۹,۲	کلاس‌های کنکور
۹۷	۹	مدارس غیر انتفاعی
۳۱۷	۲۹,۴	کتاب‌های آموزشی
۲۳	۲,۱	معلم خصوصی
۵۴۴	۵۰,۴	تلاش شخصی

## یافته‌های استنباطی

برای ساختن شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده دانشجویان از ۶ متغیر شغل، درآمد و تحصیلات پدر و مادر استفاده گردید و بر اساس این تقسیم‌بندی دانشجویان در پنج طبقه قرار گرفته اند.

در این مطالعه شغل والدین به پنج طبقه تقسیم شده است<sup>۱</sup>. نتایج بیانگر آن است که ۱۱,۵ درصد پاسخگویان از نظر شغل پدر در گروه یک (به طور مثال، کارگر، راننده، نگهبان، فوت شده)، ۲۵,۵ درصد در گروه دو (مثال، دلال مسکن و ماشین، فروشنده، تراشکار، خانه داری، ارایشگر، خیاط، نظامی، کشاورز، دامدار، نجار، جوشکار، بازاریاب، آزاد، پیمانکار، نانوا، صنعتگر)، ۴۶,۸ درصد در گروه سه (مثال، تکنیسین، پرستار، کنترل برج مراقبت فرودگاه، کارشناس، تاشر، مترجم، سردبیر، عمده فروشان، کارمندی، معلم، مربی ورزش، مدرس موسیقی، مغازه داران، دلال بورس، طب سنتی، طلاسازی، تولید کنندگان)، ۷,۶ درصد در گروه چهار (مهندسین، وکیل، محقق، روانشناس، کارمند سطح بالا، کارخانه دار، مشاوران وزیر، پزشکان طب سنتی، شرکت) و ۸,۷ درصد در گروه پنج (پزشکان، اساتید دانشگاه، دندانپزشک، مدیران داروساز، تجارت) قرار گرفته‌اند. در این صورت ۶۳,۱ درصد متعلق به گروه متوسط به بالا هستند. همچنین از نظر شغل مادر به ترتیب در گروه یک حدود ۱,۶ درصد، گروه دو با بیشترین فراوانی ۶۰,۵ درصد و دسته سوم ۳۱,۸ درصد، گروه چهارم ۲,۲ درصد و در نهایت گروه پنج با ۳,۹ درصد قرار گرفت.

<sup>۱</sup> این تقسیم بندی براساس، تحقیق دکتر شهلا کاظمی<sup>۱</sup> و درگاه ملی آمار ایران انجام شده است.



از نظر میزان درآمد والدین پاسخگویان در پنج طبقه قرار گرفتند که درآمد پدران در سطح کم درآمد حدود ۱۲,۸ درصد، درآمد کمتر از متوسط ۱۶,۵ درصد، درآمد متوسط ۴۲,۲ درصد، درآمد بالاتر از متوسط ۲۰,۸ درصد و درآمد بالا ۷,۶ درصد قرار گرفته است. درآمد مادران با ۵۰,۹ درصد کم درآمد و بدون درآمد و با ۲۳,۳ درصد بیشتر از متوسط (بیشترین سهم) و ۷,۶ درصد متعلق به درآمد بالا که کمترین سهم را داشتند.

از نظر سطح تحصیلات والدین نیز یافته‌ها نشان داد که تحصیلات پدران در سطح کم سواد حدود ۵,۲ درصد، مدرک تحصیلی متوسطه و دیپلم با نزدیک به ۴۱,۴ درصد و لیسانس با ۲۷,۱ درصد به عنوان رایج‌ترین مدرک تحصیلی برای پدر از سوی دانشجویان ثبت شده است و در نهایت فوق لیسانس با ۱۶,۱ درصد و دکترا با ۱۰,۲ درصد این سهم را به خود اختصاص داده است. سطح تحصیلات مادران برپایه اطلاعات ثبت شده از سوی پاسخگویان از الگوی نسبتاً مشابهی با سطح تحصیلات پدران پیروی می‌کند. بطوری که مدرک دکتری با نزدیک به ۳,۶ درصد و نداشتن تحصیلات رسمی با نزدیک به ۶,۸ درصد کمترین سهم و مدرک متوسطه و دیپلم با ۴۲,۷ درصد و کارشناسی با ۳۷,۲ درصد بیشترین سهم را دارند و فوق لیسانس حدود ۹,۸ درصد است که بطور کلی مقایسه سطح تحصیلات پدران و مادران در میان پاسخگویان نشان از آن دارد که بطور متوسط سطح تحصیلات مادران پایین‌تر است.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ۴,۳ درصد از دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های منتخب متعلق به پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، ۲۵,۳ درصد متوسط رو به پایین، ۳۷,۵ درصد متوسط، ۲۸,۵ درصد متوسط رو به بالا، ۴,۴ درصد بالا هستند. به عبارت دیگر، سهم دانشجویان متعلق به اقشار متوسط و متوسط رو به بالای جامعه در دانشگاه‌های دولتی بیشتر است.

## جدول ۸

پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان

پایگاه اقتصادی-اجتماعی	تعداد	درصد
پایگاه پایین	۲۷	۴,۳
پایگاه متوسط رو به پایین	۱۶۱	۲۵,۳
پایگاه متوسط	۲۳۸	۳۷,۵
پایگاه متوسط رو به بالا	۱۸۱	۲۸,۵
پایگاه بالا	۲۸	۴,۴
کل	۶۳۵	۱۰۰

## نتیجه‌گیری

آموزش معمولاً به منزله یکی از مهمترین شاخص‌های رفاه در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل، نابرابری آموزشی و تفاوت در دسترسی به آموزش از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلف قرار گیرد. برخی عوامل، خارج از کنترل فرد و برخی دیگر تحت کنترل فرد قرار دارند. برخی معتقدند شرایط و محیط اجتماعی که در آن متولد می‌شویم درست مانند فضای قرعه‌کشی است؛ این شرایط در آغاز راه زندگی با تأثیر گذاشتن بر فرصت‌های پیش‌رو و همچنین سرمایه اجتماعی و عاطفی مورد نیاز تعیین‌کننده راه آینده هستند (Oecd, 2018).

برابری فرصت بدان معناست که دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی تحت شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها امکان‌پذیر باشد؛ هر فرد باید در شرایط مساوی قادر باشد، جهت دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی به رقابت بپردازد و توانایی و استعدادها بالقوه خود را به سرانجام برساند





و هیچ گونه احساس تبعیض و ظلمی نکند (Khan Afzali, 2004). به لحاظ اخلاقی، جامعه باید تلاش کند تا امکان دسترسی فرد به فرصت‌های برابر را فراهم سازد. داشتن فرصت یعنی فرد بتواند خواسته‌های خود را در زندگی دنبال کند.

نحوه تخصیص منابع به آموزش عالی نیز از این جهت از اهمیت زیادی برخوردار است چراکه به دو بحث عدالت و کارایی مرتبط می‌شود. بعنوان مثال پرداخت منابع مالی عمومی به دانشگاه‌ها نباید بگونه‌ای باشد که موجب ناعادلانه‌تر شدن درآمدها و تشدید نابرابری اجتماعی گردد و به نفع طبقات بالای اجتماعی و اقتصادی باشد. بلکه، نحوه توزیع آن باید بگونه‌ای باشد که علاوه بر افزایش دسترسی خانواده‌های کم درآمد، موجبات بالندگی بیشتر نظام آموزش عالی را فراهم آورده و کارایی و برابری را در آموزش عالی و جامعه بصورت همافزا، تقویت کند.

طرفداران برابری فرصت برای شایستگان<sup>۱</sup> معتقدند که هیچ مانعی به جزء شایستگی نباید در راه رسیدن فرد به اهداف قرار گیرد. این دیدگاه بر این مورد تأکید دارد که خدمات آموزشی باید تنها مطابق با شایستگی افراد توزیع شوند. در حوزه آموزش، اغلب قوانین ورودی، آزمون‌های توانایی و نمرات امتحانات میزان شایستگی فرد را می‌سنجند. البته، تلاش سخت دانشجوی، میزان پیشرفت او و مشارکت در کلاس درس را می‌توان از جمله شاخص‌هایی دانست که شایستگی را می‌سنجند. همچنین باید در نظر گرفت که تمامی این شاخص‌ها موجب ایجاد چالش‌هایی در سنجش می‌شوند. برابری فرصت برای شایستگان دارای محدودیت‌های شناخته‌شده‌ای است. اگر فرصت‌های آموزشی به فردی تعلق بگیرد که بالاترین نمره را در امتحان ورودی گرفته است؛ در اینصورت شایستگی یک ویژگی درونی است؛ اما، می‌توان گفت فرصت آموزشی خود شایستگی ایجاد می‌کند. به طوریکه، هر چه فرصت آموزشی برای فرد بیشتر فراهم شود؛ امکان دسترسی به شایستگی نیز بیشتر می‌شود. این امر نشان می‌دهد که باید بیشتر پتانسیل زیربنایی افراد را به جای شایستگی در نظر بگیریم. در مقابل عده‌ای هم معتقدند، باید به جای افرادی که سخت تلاش می‌کنند؛ ولی، توانایی و شایستگی کمتری دارند؛ برای کسانی فرصت ایجاد کنیم که استعداد دارند و استعداد آن‌ها کشف نشده است.

فراهم کردن شرایط یکسان و برابر برای آموزش افراد شرط لازم برای حرکت بسوی برابری در سایر وجوه انسانی - اجتماعی است. در آموزش عالی، هدف برابری، ایجاد دسترسی برابر برای افرادی است که هم مایلند و هم به لحاظ شایستگی توانایی حضور در آموزش عالی را دارند. اصل برابری فرصت‌ها می‌گوید فردی که مایل است و شایستگی‌های لازم را هم داراست نباید بدلیل قرار گرفتن در پایگاه اقتصادی - اجتماعی خاص از تحصیل در سطوح بالای آموزشی محروم شود. از اینرو اطلاع از ویژگی‌های دانشجویان و برآورد پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان جهت اتخاذ تدابیر و سیاست‌های لازم برای بهبود نابرابری در نظام دانشگاهی و به تبع آن بهبود نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه ضروری است.

با این هدف این مطالعه به بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان پرداخته است. بعنوان پیشفرض از نظر مباحث نظری، زمانی یک جامعه به وضعیت عادلانه و نرمال می‌رسد که سهم هریک از پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی در نظام آموزشی به خصوص در نظام آموزش عالی که دارای بازدهی خصوصی بالاتری نسبت به سایر سطوح آموزشی است به برابری میل کند. متأسفانه یافته‌های پژوهشی در حوزه نابرابری آموزشی چنین تمایلی را بخصوص در سطوح بالای آموزشی، نشان نمی‌دهد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که عمده دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران از افراد متعلق به پایگاه‌های اقتصادی اجتماعی ۳ و ۴ (متوسط و متوسط روبه بالا) هستند البته بنظر میرسد این نتایج بدلیل اینکه درآمد خانواده دانشجویان بر اساس خود اظهاری محاسبه شده است با واقعیت اختلاف داشته باشد محققین برای اینکه اطمینان حاصل کنند که درآمدهای اظهار شده به واقعیت نزدیک است آنرا با میانگین دهکهای درآمدی دانشجویان دانشگاه‌های مورد بررسی که از پایگاه داده رفاه ایرانیان وزارت کار بدست آمده بود مقایسه کردند. براساس آن

<sup>1</sup> meritocratic equality of opportunity



نتایج به نظر میرسد درآمدهای اظهار شده کمتر واقع اظهار شده اند. با این وجود اگر درآمد دانشجویان را کف درآمد خانواده شان در نظر بگیریم به احتمال زیاد میزان بیشتری از دانشجویان در پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا قرار می‌گیرند. در واقع این نتایج حداقل نابرابری را در دانشگاه‌های دولتی تهران نشان میدهد.

نتایج دیگر نشان می‌دهد که دانشجویان طبقات بالاتر هزینه بیشتری برای آمادگی در کلاس‌های کنکور و استفاده از امکانات تحصیلی در دوره دبیرستان کرده اند که طبیعی است بدلیل نوع خاص آزمون سراسری کسب برخی مهارتها احتمال کسب نمره را افزایش داده آن‌ها بتوانند سهل تر وارد دانشگاه‌های معتبرتر دولتی شوند. مقایسه این یافته‌ها با یافته‌های تحقیق احمدرضا روشن (Roshan, 2003) نشان میدهد که احتمالاً وضعیت نابرابری طی دو دهه گذشته وخیمتر و افراد پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتر بیشتر وارد دانشگاه‌های دولتی شده اند.

نتایج این تحقیق با یافته‌های تحقیق جمالی (Jamali, 2012) مبنی بر این که متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اقتصادی-اجتماعی با میزان تأثیر متفاوت، بر افزایش نمره کل داوطلبان در آزمون سراسری مؤثر هستند؛ همچنین، افزایش سطح تحصیلات پدران، سطح تحصیلات مادران و شغل پدران بر افزایش عملکرد تحصیلی مؤثر است، مطابقت دارد.

از دیگر یافته‌های تحقیق این است که افراد متعلق به پایگاه اقتصادی اجتماعی متوسط به بالا هزینه بیشتری برای ورود فرزندانشان به دانشگاه کرده‌اند که این یافته با نتایج تحقیق روشن (Roshan, 2004) مبنی بر این که خانواده‌هایی از طبقه اقتصادی اجتماعی بالا تمایل بیشتری برای حضور فرزندان خود در کلاس‌های کنکور دارند و یافته تحقیق نوغانی (۱۳۸۱) که سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی سهم مثبت و معناداری بر احتمال قبولی و نمره کسب شده داوطلبان دارد مطابقت دارد.

در مجموع، هرچند سیاست‌های اتخاذ شده پس از انقلاب اسلامی باعث گسترش کمی آموزش عالی و رسیدن جمعیت دانشجویی به بیش از سه میلیون نفر شده است؛ اما به لحاظ توزیع برابر فرصت‌های آموزشی و معیارهای عدالت و برابری توفیق چندانی نداشته است، بطوریکه افراد با درآمد بالاتر توانسته اند از امکانات رایگان دولت در آموزش عالی استفاده کنند و از آموزش با کیفیت تری که دولت فراهم نموده است برخوردار شوند و طبیعتاً پس از فراغت از تحصیل میتوانند هم به پشتوانه خانواده و تحصیل کیفی تری که دریافت کرده اند از مزایای بازار کار و آینده شغلی مطلوبتر بهره ببرند.

## پیشنهادها

در حال حاضر پیشنهاد می‌شود برای اصلاح وضع موجود، دولت با یک نگاه سیستمی علاوه بر بهبود توسعه نامتوازن در کشور، نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی در بیرون نظام آموزشی را کاهش دهد و همزمان، به اصلاح قوانین، مقررات، رویه‌ها و دستورالعمل‌های موجود در نظام آموزشی بخصوص نظام آموزش عالی که موجب تشدید نابرابری می‌شوند، بپردازد. برای این منظور علاوه بر انجام پژوهشی کاربردی وسیع(به تفکیک استان‌ها و دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی) جهت اتخاذ سیاست‌های مناسب در سطح کشور، لازم است مکانیسم شناسایی اقشار کم درآمد و کم برخوردار برقرار گردد و از طریق سیاست‌های حمایتی و پشتیبانی سهم اقشار پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین در نظام آموزش عالی بهبود یابد. در این راستا، اجبار سیاستگذار به تدوین، ارائه و اجرای پیوسته‌ها عدالت و برابری برای سیاست‌های آینده، میتواند بسیار موثر باشد.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.





## تقدیر و تشکر

در اینجا از تمام کسانی که نویسندگان را در انجام این تحقیق یاری نمودند، قدردانی می‌شود.

## References

- Abonory, E., & Mohamadi, A. (2017). Investigating the effect of economic policies on the inequality of educational opportunities in Iran. *Quarterly Journal Of Education*(132), 93-112. [http://qjoe.ir/browse.php?a\\_code=A-10-107-121&slc\\_lang=other&sid=1](http://qjoe.ir/browse.php?a_code=A-10-107-121&slc_lang=other&sid=1)
- Amaral, A. (2018). *Universities and the Knowledge Society Revisited*. Peter Lang. <https://www.cipes.pt/node/3464?language=en>
- Anders, J., & Jerrim, J. (2014). The socio-economic gradient in educational attainment and labour market outcomes: a cross-national comparison. <https://discovery.ucl.ac.uk/id/eprint/10051407/>
- Ansari, E., & Sanatkhan, A. (2018). Examining the theories of social stratification with emphasis on Iran's social conditions. *Quarterly Journal of Social Profesinal Journal of Social Sciences of Islamic Azad University*(14), 143-172. <https://elmnet.ir/article/10113010-25857>
- Blanden, J., & Macmillan, L. (2016). Educational inequality, educational expansion and intergenerational mobility. *Journal of Social Policy*, 45(4), 589-614. <https://doi.org/10.1017/S0047279416000350>
- Fazaeli, A., Alizadeh Hanjani, A., & Alizadeh Hanjani, H. (2015). Justice in the health sector from the point of view of moral schools. *Social Welfare Quarterly*, 11-26. [https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a\\_id=1999&sid=1&slc\\_lang=fa](https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=1999&sid=1&slc_lang=fa)
- Ghasemi A, A., Heydarabadi, A., & Rostami, N. (2013). Family contexts of inequality of educational opportunities, case study: Higher school female students of Ahar city. *Quarterly Profesinal Journal of Sociology*(1), 125-148. <https://www.sid.ir/paper/170180/%C3%98%C2%AE%C3%98%C2%B1%C3%9B%C5%92%C3%98%C2%AF%20%C3%98%C2%A7%C3%99%E2%80%9A%C3%98%C2%B3%C3%98%C2%A7%C3%98%C2%B7%C3%9B%C5%92%20%C3%9A%C2%AF%C3%99%CB%86%C3%98%C2%B4%C3%9B%C5%92%20%C3%98%C2%A2%C3%9B%C5%92%C3%99%20%C3%99%CB%86%C3%99%E2%80%A0%2014>
- Jamali, E. (2012). The effect of social and economic status on the academic performance of university entrance exam candidates during the years 2001 to 2009. *Quarterly Journal of Iranian Higher Education*(4). <https://www.sid.ir/paper/135835/fa>
- James, R. (2002). Socioeconomic Background and Higher Education Participation: An analysis of school students 'aspirations and expectations. <https://www.voced.edu.au/content/ngv:2433>
- Kazempour, S. (1999). A model in determining the socioeconomic status of people and measuring social mobility based on a case study in Tehran. *Sociological Review*, 139-172. [https://jnoe.ut.ac.ir/article\\_14796.html](https://jnoe.ut.ac.ir/article_14796.html)
- Khan Afzali, G. (2004). Rawls' theory of justice; Seeking justice or anti-justice. *Journals Reference*(79), 50-54.
- Koen, B. (1991). *An introduction to sociology*. Farhang Moaaser Publications. <https://www.amazon.de/-/en/Introduction-Sociology-Ken-Browne/dp/1509528008>
- Kosunen, S., Haltia, N., Saari, J., Jokila, S., & Halmkrona, E. (2021). Private supplementary tutoring and socio-economic differences in access to higher education. *Higher Education Policy*, 34, 949-968. <https://doi.org/10.1057/s41307-020-00177-y>
- Naderi, B. (2016). *Way of life in social strata*. Qanunya.
- Natkhov, T., & Kozina, N. (2012). Inequality of Educational Opportunity in a Cross-Section of Countries: Empirical Analysis of 2009 PISA Data. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2179525>
- Oecd. (2018). Education at a Glance, OECD Briefing Note for UK. [https://www.oecd.org/en/publications/2018/09/education-at-a-glance-2018\\_g1g921ab.html](https://www.oecd.org/en/publications/2018/09/education-at-a-glance-2018_g1g921ab.html)
- Palmisano, F., Biagi, F., & Peragine, V. (2022). Inequality of opportunity in tertiary education: evidence from Europe. *Research in Higher Education*, 1-52. <https://doi.org/10.1007/s11162-021-09658-4>
- Pashaei, A., Hassani, M., Mohajeran, B., & Shahbazi, K. (2023). Analyzing the effect of economics education on students' financial literacy and decision-making with the moderating role of the family's socio-economic status. *Institution for Research and Planning in Higher Education*. <https://doi.org/10.61838/KMAN.IRPHE.29.4.2>
- Reinders, S., Dekker, M., & Falisse, J. B. (2021). Inequalities in higher education in low-and middle-income countries: A scoping review of the literature. *Development Policy Review*, 39(5), 865-889. <https://doi.org/10.1111/dpr.12535>
- Roemer, J. E. (1998). *Equality of opportunity*. Cambridge, MA: Harvard UP. <https://doi.org/10.4159/9780674042872>
- Roshan, A. (2003). "Determining Socio-Economic status (SES)".
- Roshan, A. (2004). Access to higher education. <https://irphe.ac.ir/content/3334/Mr.-Ahmad-Reza-Roshan>
- Shields, L., Newman, A., & Satz, D. (2017). *Equality of educational opportunity*. Stanford Encyclopedia of Philosophy SEPIA for Libraries. <https://plato.stanford.edu/entries/equal-ed-opportunity/?ref=luatkhoa.com>
- Tavares, O., Sá, C., Sin, C., & Amaral, A. (2022). *Equity policies in global higher education: Reducing inequality and increasing participation and attainment*. Springer Nature. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-69691-7>
- van de Gaer, D. (1993). *Equality of opportunity and investment in human capital* [Catholic University of Louvain]. <https://elibrary.ru/item.asp?id=6863044>
- Wilkinson, R., Pickett, K., & Cato, M. S. (2009). *The spirit level. Why more equal societies almost always do better*. <https://www.tandfonline.com/doi/pdf/10.1080/00167487.2010.12094298>